۲۷۳- وقت آنست که در اين ميدان گوی سبقت و پيشی را از…

حضرت عبدالبهاء

اصلی فارسی



# ۲۷۳- وقت آنست که در اين ميدان گوی سبقت و پيشی را از مردان شهير آفاق بربائی

وقت آنست که در اين ميدان گوی سبقت و پيشی را از مردان شهير آفاق بربائی نطق فصيح بگشائی بيان بليغ بنمائی ياران و اماء رحمن را ثابت و مستقيم نمائی و مانند مريم مجدليّه حواريّين را بخدمت نور مبين وا داری تا نفحه مشکين آن آفاق را معطّر نمايد و نور مبين بر آن اقليم بتابد.

در چنين وقتی نور موهبت بدرخشد و فيض آسمانی ظاهر گردد و نفوذ کلمة اللّه مشهود شود و قوّت جنود ملأ اعلی واضح گردد امّا ثبات و استقامت واجب و همّت و غيرت شايد. دوستان را در پاريس جمع کن محفل انس بيارا و آهنگ تقديس بلند کن ياران را تسلّی بخش و اماء الرّحمن را نوازش کن و بگو عبدالبهاء را محن و آلام آرزوی جانست و اذيّت و جفای غافلان مسرّت روح و وجدان فراز صليب او را سرير اثير است و موت شديد حيات جديد زهر بلا در مذاقش قند مکرّر است و سمّ جفا از شهد و شکر شيرين‌تر بقا در فنا بيند و حيات در ممات جويد با کمال سرور بمشهد فدا شتابد و در روز قربانی کامرانی کند. شما از محن و آلام او افسرده مشويد پژمرده نگرديد حزن و اندوه منمائيد بلکه روشنتر شويد و شعله شديدتر زنيد زيرا سرّ فدا سبب بقاست و فوت و فنا در اين مقام علّت حيات.

خلاصه کلّ را بوجد و وله آريد و سبب جنبش و حرکت گرديد تا دلها منجذب بملکوت ابهی شود و ارواح زنده بنفحات ملأ اعلی گردد. ای امة البهاء، چنان شعله ئی بزن که برودت و خمودت را از آن ديار زائل نمائی و سبب اعلای کلمة اللّه گردی و رايت محبّت اللّه مرتفع نمائی تا عاقبت جنگ و جدال از آفاق برافتد و ظلمت عداوت و بغضا زائل گردد صبح روشن محبّت اللّه بتابد و در بين بشر چنان الفتی حاصل گردد که جميع لئالی يک دريا گردند و گل و رياحين يک گلشن و صحرا. و از اين تعجّب منما حال بدايت است در نهايت نظر کن دهقان حقيقی چند دانه تخمی افشانده اين را مبين توده توده خرمن در اين صحرا نظر نما. نظر نبايد بقدرت و اقتدار خويش نمائيم بلکه توجّه بفيض ملکوت نموده کاری در پيش گيريم. هر چند ذرّه ضعيف و نحيف و نابود است ولی در شعاع آفتاب جلوه نمايد و هر چند قطره محدود است ولی ببحر البحور متّصل لهذا نظر بفيض و عنايت جمال ابهی نما و بر خدمت قيام کن.

